

چشمان تو آتشکده‌ی نمرود است

حمیدرضا ایلانلو

www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور: چشمان تو آشنکدهی نمرود است / حمیدرضا ایلانلو.
محل نگارش: ایلانلو، حمیدرضا، ۱۳۳۶ -

مشخصات نشر: تهران: رادمان، ۱۳۸۵.

مشخصات طاعری: ۱۰۷ اس: ۲۱/۵ - ۱۴/۵ اس م

شماره: ۹۷۸-۶۶۶-۹۵.۷۹-۳-۹

۹۷۸-۱۱۱
وضعیّت فہرست نویسی : فیبا

یادداشت: چاه قبلی: قرنچستان. ۱۳۰۱

موضوع: شعر فارسی -- فردوسی

Persian poetry -- 11th century

روزہ بندی گنگہ: PHR 8334

ولدہ مفتی دیوبند: ۶۲، ۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱.۶۶۲۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: 91.7727



انتشارات نامونہ

نام: چشمان تو آتشکده‌ی نمرود است

سراینده: حمید رضا ایلانلو

چاپ یکم: بهمن ۱۳۰۱

• 100 人 : 200 人

شمارگان: ۸۰۰ نسخه

شماره: ۹-۳-۷۹-۹۲-۶۲۲-۹۷۸

چاپخانه: هدی

صدافی: ترنج

طرح بلند: سیاوش برادران

مقدمه

به نام خدا

حافظ سخن بگوی که بر صفحه‌ی جهان
این نقش ماند از قلمت یادگار عمر

انتقال حسن لذت و زیبایی، مهم‌ترین رسالت یک مجموعه شعر است. اگر اثری این مهم را برآورده نکند، گفتگو و گره‌گشایی آن محلی از اعراب ندارد. یعنی یک اثر وقتی در مقام نقد یا توجه قرار می‌گیرد که حرفی برای گفتن یا تصویری برای ارائه داشته باشد و این مجموعه شعر نیز از این قاعده مستثنا نیست و جاذبه‌های زبانی، کشف‌ها و تصویرسازی‌های بدیع آن ما را وادار به خوانش و بحث و گفتگو می‌کند.

حمیدرضا ایلانلو را با ترانه‌ها و بداهه‌گویی‌هایش می‌شناسیم. شاعری که در اشعارش با قلمی گویا و طبعی روان، آینه‌وار به انعکاس دنیای درون و زیست شاعرانه و عاشقانه‌اش می‌پردازد. بیت شعرهایش نماینده‌ی روح آرام و صبور اوست که صادقانه از دهان قلم جاری می‌کند.

بعد از مجموعه شعر «عشق بدون مرز» به قلم ایشان که در سال ۹۷ به چاپ رسید، این بار با مجموعه رباعی‌هایش هنرنمایی می‌کند. واژه‌های امروزی و خارج از گود را وارد شعر می‌کند و به زیباترین شکل ممکن از کارافتاده‌ترین واژه‌ها را هم به کار می‌گیرد و این گونه نشان می‌دهد که ظرفیت زبان و ادبیات فارسی بسیار بالا است و در حصار سبک و سیاق خاصی محدود نمی‌شود:

ای کاش که دوری ات خیرِ قتم نکند
این فاصله ها هی شل و سفتم نکند
من دُم به تله نمی دهم اما کاش
تا آمدن تو، مرگ، خفتم نکند

شاعر مجموعه شعر «چشمان تو آتشکده‌ی نم‌رود است» قالب رباعی را که بعد از چند دوره رکود، جانی تازه یافته، انتخاب کرده است چرا که خوب می‌داند امروزه عنصر شتاب در تمام عرصه‌های زندگی نفوذ کرده و مخاطب متمایل به شعر کوتاه است تا بتواند در کوتاه‌ترین زمان و با کم‌ترین کلمه‌ها به معنای بلند و لذت‌وافر دست پیدا کند. وی هوشمندانه قالب رباعی را که از دیرباز تا کنون محبوب بوده و مخاطبان زیادی دارد برگزیده تا مخاطب بتواند احساس و افکار شاعر را به خاطر بسپارد.

حمیدرضا ایلانلو حرف قلب خود را از زبان قلم می‌چکاند و سال‌هاست با کلمات همنشینی و قرابت دارد. او رفیق حروف و نشانه و اصوات است و با زیبایی‌ها و ظرافت‌ها نشست و برخاست دارد. وی با قلمی صریح و ساده، کشف‌های شاعرانه‌اش را به تماشا می‌گذارد و با بیانی بلیغ خواننده را به بلندای خیال می‌برد تا مخاطب با احساس همزاد پنداری با مضمون و محتوای اشعارش، سبکیال شود.

زبان ایلاتلو زبان درد و دغدغه است. او گاه با چاشنی طنز و گاه به مدد شگردهای شاعرانه، مرهم روی زخم‌ها می‌گذارد و به خوبی نشان می‌دهد که شعر در برهه‌ها و بحران‌های مختلف می‌تواند درمانگر خوبی باشد.

زبان اغلب شعرهای این مجموعه، یکدست و روان است و علاوه بر موسیقی کمی از موسیقی کیفی هم برخوردار است. مخاطب راحت می‌تواند با متن ارتباط برقرار کند و احساس غریبی نمی‌کند:

رفتار تو را چه بی‌ریا می‌فهمم
هر بار شود رنگ و ریّا می‌فهمم
ما بین تظاهر و حقیقت فرق است
من فرق میان این دو را می‌فهمم

بی‌گمان در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد درخشش بیشتر قلم این شاعر خواهیم بود، مشروط بر اینکه قلم خود را همواره تقویت کند، از نوآوری‌ها و هنجارشکنی‌های زبانی و معنایی نهراسد و از کشف و ارائه‌ی تصاویر تازه غفلت نکند؛ با جسارت شاعرانه‌ی خود جهان زیباتری بسازد و با رهایی احساس و افکارش دین خود را به شعر ادا کند.

این مجموعه، حکایت شیرین شب‌ها و روزهایی‌ست که شاعر به خلوت و خیال خود پناه برده و الهامات و احساسات خود را با ما در میان گذاشته است. در واقع شاعر نسخه‌ای از ذهن و زبان خود را در اختیار ما گذاشته تا با جان و دل، دل به نوشته‌هایش بسپاریم.

با آرزوی رسیدن حمیدرضا ایلانلوی گرامی به قله‌های رفیع شعر و ادب!

با ارادت
دکتر مینا آقازاده